

ماهنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی<sup>۱</sup>

سال سیزدهم - شماره سوم - خرداد ۱۳۹۹ - شماره پیاپی ۴۹

بررسی سبک‌شناسانهٔ رمانهای نویسندگان زن معاصر

(با تکیه بر هفت رمان جزیرهٔ سرگردانی، سگ و زمستان بلند، شبهای تهران، دل

فولاد، چراغها را من خاموش میکنم، رویای تبت و سرخی تو از من)

(ص ۱۸-۱)

معصومه باقری<sup>۲</sup>، صفیه مرادخانی<sup>۳</sup> (نویسنده مسئول)، محمدرضا روزبه<sup>۴</sup>، سعید زهره‌وند<sup>۵</sup>

تاریخ دریافت مقاله: تابستان ۱۳۹۷

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: تابستان ۱۳۹۷

### چکیده

در دو دههٔ اخیر، پژوهشهای سبک‌شناسی رشد چشمگیری داشته است، یکی از شاخه‌های سبک-شناسی جدید سبک یا نوشتار زنانه است که مورد توجه زبان‌شناسان اجتماعی قرار گرفته است، سبک‌شناسی لایه‌ای مبانی سبک را در پنج لایهٔ زبان (آواشناسی، ساخت‌واژی، نحو، معنی‌شناسی و کاربرد-شناسی) بررسی میکند. نتایج بررسی لایه‌های سبک زنانه در آثار نویسندگان زن را می‌توان این‌گونه خلاصه کرد: سطح آوایی در زبان زنان با زبان مردان تفاوت چندانی ندارد، جز تفاوت در لحن، که این لحن نرم‌آهنگی است که بیانگر لحن عاطفی و مؤدبانهٔ زنان است. سطح واژگانی که مربوط است به جنس زنان و تعابیر و تکیه‌کلام‌های زنانه، مانند کاربرد رنگواژه‌ها، دشنامها و نفرینهای خاص زنانه که در کلام آنان دیده میشود. سطح نحوی مربوط به کاربرد جمله‌های ساده، جمله‌های همپایه، حذف جمله‌ها و وجه عاطفی است. سطح بلاغی نشان میدهد در آثار زنان تشبیه، کنایه و استعاره کاربرد فراوان دارد. سطح کاربردی به بیان لحن مؤدبانه و رسمی زبان زنان میپردازد. در این پژوهش هدف اصلی کشف ویژگیهای ساختاری رمانهای جزیرهٔ سرگردانی، سگ و زمستان بلند، شبهای تهران، دل فولاد، چراغها را من خاموش میکنم، رویای تبت و سرخی تو از من، بر پایهٔ دیدگاه سبک‌شناسی زنانه است.

**کلمات کلیدی:** سبک‌شناسی، سبک‌زنانه، زبان و جنسیت.

<sup>۱</sup> - تمام مجلات علمی پژوهشی کشور از ابتدای سال ۹۸ به دستور وزارت علوم به مجلات علمی تغییر نام داده اند

<sup>۲</sup> - دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه لرستان (m.bagheri5622@gmail.com)

<sup>۳</sup> - دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه لرستان (yas12261985@gmail.com)

<sup>۴</sup> - دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه لرستان (rayan.roozbeh@yahoo.com)

<sup>۵</sup> - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه لرستان (zohrevand46z@gmail.com)

**A Stylistic Study of Novels by Contemporary Women Writers  
(Relying on Seven Novels: jazirehye sargardani ,shabhaye Tehran,  
sorkhiye to az man, del folad, royaye tabat, sag va zemestane  
boland, cheraghha ra man khamosh mikonam)**

Masumeh Bagheri<sup>1</sup>, Safieh Moradkhani<sup>2</sup> (correspondent author),  
Mohamad Reza Ruzbeh<sup>3</sup>, Saeed Zohrevand<sup>4</sup>

**Abstract**

In the last two decades, stylistics studies have grown dramatically. One of the branches of the new style is the style or womanly writing that has attracted the attention of social linguists. In this research, womanly style layers have been studied based on levels such as phonetic, lexical, syntactic, applied and rhetorical.

The results of the study of female style layers in the writings of women can be summarized as follows: The phonetic level in the language of women is not much different from the language of men, except in the difference in the tone, which is the tune of the tune that expresses the emotional and patriotic tone of women. The level of the vocabulary related to the sex of women and the expressions and phrases of the female word, such as the use of colorful words, erotic curses, which are in their words. The syntactic level is related to the use of simple sentences, related sentences, the elimination of sentences and emotional terms. The level of rhetoric shows that in the works of women, likenesses, indignation and metaphors are widely used. The applied level expresses the polite and official tone of the language of women. The main purpose of this research is the discovery of the structural features of Novels which is based on the womanly stylistics view.

**Key words:** Stylistics, Womanly Style, Language and Sex

---

<sup>1</sup>- PhD student of Persian Language and Literature, University of Lorestan, Lorestan, Iran (m.agheri5622@gmail.com)

<sup>2</sup>- Department of Persian Language and Literature, University of Lorestan, Lorestan, Iran (yas12261985@gmail.com)

<sup>3</sup>- Department of Persian Language and Literature, University of Lorestan, Lorestan, Iran (rayan.roozbeh@yahoo.com)

<sup>4</sup>- Department of Persian Language and Literature, University of Lorestan, Lorestan, Iran (zohrevand46z@gmail.com)

## ۱- مقدمه

بسیاری از پژوهش‌های سبک‌شناسی در زبان فارسی تقلید یا تکرار یافته‌های بهار در تاریخ تطور نثر فارسی است. بسیاری دیگر نیز سبک‌متون را به شیوهٔ سیروس شمیسا در سه سطح زبانی، فکری و ادبی مورد مطالعه قرار داده‌اند که این شیوه را برخی از منتقدین نمی‌پسندند: «انتقادی که به شیوهٔ بررسی سبک در سطوح سه‌گانه وارد است این است که هریک از این سه سطح به صورت جداگانه بررسی میشود و پژوهشگر قادر به برقراری ارتباط بین این سه سطح نیست.» (سبک‌شناسی ده‌نامهٔ ویس و رامین فخرالدین اسعدگرگانی: ص ۱۹۷). کتاب سبک‌شناسی فتوحی پایهٔ زبان‌شناسی دارد و مبانی سبک را در پنج لایهٔ زبان (آواشناسی، ساخت‌واژی، نحو، معنی‌شناسی و کاربردشناسی) بررسی میکند، اما از آنجا که کتاب برای مقاصد سبک‌شناسی ادبی تألیف شده، لایه‌های بلاغی و ایدئولوژیک را نیز بدان افزوده است. «این روش را از آن رو که سبک را در پنج لایهٔ آوایی، واژگانی، نحوی، بلاغی و ایدئولوژیک بررسی میکند سبک‌شناسی لایه‌ای نامیده‌ام.» (سبک‌شناسی: ص ۲۸). مقالهٔ حاضر با توجه به روش سبک‌شناسی فتوحی جمع‌آوری شده است.

## ۲- تعریف مسأله

با همه‌گیر شدن قالب رمان به عنوان ظرف گفتمانهای معاصر، شاهد گسترش روزافزون گرایش نویسندگان زن به رمان هستیم. ظرفیتهای کم‌نظیر این ژانر، زنان معاصر را به این فهم رسانده که جامعه و مشکلات خود را در این ظرف به نمایش بگذارند. درحقیقت رمان، یگانه‌گونهٔ ادبی برای بیان مفاهیم زنانگی است، گاهی به منظور تقابل با روایت‌های مردانهٔ حاکم بر جوامع سنتی و گاهی نیز به ظهور رو به رشد داستان‌نویسان زن همچون سیمین دانشور، گلی ترقی، شهرنوش پارس‌پور، منیرو روانی‌پور، غزاله علیزاده و... نشان داد که زنان در مرحلهٔ تغییر و تحول اجتماعی قرار گرفته‌اند، با آثار این نویسندگان «تلاش برای کشف فردیت و هویت خویش به عنوان زن جایگاهی چشمگیر در ادبیات زنان به وجود می‌آورد، ادبیاتی که از ذهنیتی زنانه به جهان مینگرد و با تأکید بر نقش اجتماعی و درونیات زنان، تصویری متفاوت از تصویر زن در آثار نویسندگان مرد ترسیم میشود.» (صدسال داستان نویسی: ص ۱۱۱۰).

## ۳- پیشینهٔ پژوهش

در سالهای اخیر، تحقیقاتی معدود در قالب پایان‌نامه و مقاله درباره سبک‌شناسی نثر داستانی معاصر به نگارش درآمده‌است، اما درباره سبک‌شناسی زنانهٔ آثار داستانی که موضوع مقاله حاضر است، پژوهشی جز در زمینه نقد و بررسی صورت نگرفته است. پژوهش دربارهٔ نویسندگان زن و آثارشان در خلال برخی کتابها به صورت فشرده و با اشاراتی گذرا آمده است، مانند «گزاره‌هایی در ادبیات معاصر ایران» نوشته علی تسلیمی (۱۳۸۳، ۲۷۴-).

۲۵۰)، «صدسال داستان نویسی میرعابدینی» (۱۳۷۷: ۱۱۱۶-۱۱۰۵)، کتاب «گفتمان زنانه» از سیدعلی سراج که در آن برخی رمانها را از دید زنانه بررسی کرده و اما تحقیق در مورد سبک زنانه در برخی مقالات نیز انجام شده، مانند مقاله «مؤلفه‌های نوشتار زنانه در رمان سرخی تو از من» از فاطمه علی اکبری (۱۳۹۵: ۱۸۱-۲۰۵)، «روند تکوین سبک زنانه در آثار زویا پیرزاد» از نیکوبخت (۱۳۹۱: ۱۱۱۹-۱۵۲)، مقاله «تجلی نوشتار زنانه در کتاب دا» از منا برجی خانی (۱۳۹۲: ۲۲۹-۲۵۳). در زمینه موضوع این مقاله پژوهشی موجود نیست و آنچه که انجام شده با ماهیت و رویکرد این پژوهش متفاوت است.

#### ۴- روش تحقیق

این جستار به شیوه توصیفی-تحلیلی و با توجه به زیبایی‌شناسی سبک و نوشتار زنانه، تلاش دارد ویژگیهای رمانهای مذکور را از نظر سبکی بررسی کند. از این رو یکدهم از آنها به منظور آمارگیری به صورت تصادفی انتخاب شده است.

#### ۵- سوال پژوهش

آیا سبک نویسندگان مورد نظر دارای ویژگیهای زبانی زنانه است؟ این ویژگیها در چه سطوحی برجسته‌تر است؟

#### ۶- مؤلفه‌های سبک زنانه

مسأله زبان و جنسیت برای اولین بار از سوی فمینیستهای موج دوم مطرح شد، اعتراض آنها باعث ترغیب بسیاری از زبان‌شناسان برای بررسی اختلافات زبانی زنان و مردان شد و به مقوله جنسیت که مغفول مانده بود توجه ویژه‌ای نشان داده شد. زبان جنسیتی اصطلاحی است که نظریه‌پردازان فمینیستی از آن در حوزه زبان‌شناسی استفاده میکنند تا هویت متمایز زبانی زنان را توصیف کنند؛ یکی از شاخه‌های سبک-شناسی سبک زنانه است. اکنون بخش بزرگی از ادبیات داستانی فارسی کاملاً بیان‌گر روح زنان است و میتوان به روشنی از خلال آن به آرمانهای جنبش زنان پی برد. «تنوع و کیفیت آثار پدیدآمده به حدی رسیده است که بتوان از شروع یک ادبیات زنانه سخن گفت. زنان بسیاری به خلق آثار ادبی روی آورده‌اند، بی آنکه مشغله ذهنی همه‌شان آفرینش ادبیات فمینیستی بوده باشد.» (صدسال داستان‌نویسی: ص ۱۱۱). اما چون همه آنان داستانهای خود را در مورد دشواریهای زندگی زنان نوشته‌اند، می‌توان به حاصل کار آنان تحت عنوان ادبیات و سبک زنانه پرداخت. آنان توانسته‌اند با نگاهی دقیق تحولات جامعه را دنبال کند و با انتخاب واقعیتها به دنیای رمان زمینه‌ای مناسب برای شناخت گرفتاریها و مشکلات دختران و زنان را در جامعه به سبکی زنانه فراهم نماید. با تحلیل رمانهای مذکور می‌توان ردپای جریان زنانه‌نویسی در ادبیات داستانی ایران را بررسی کرد و همچنین به

سبک و زبان شخصی نویسندگان دست‌یافت، زیرا این رمانها نوعی تجربهٔ زنانه در جریان داستان‌نویسی معاصر و بازتابی از صدای زنان در جامعهٔ امروز ایران است.

آیا سبک و زبان زنانه و مردانه وجود دارد؟ در جواب این پرسش گفته شده به نظر نمیرسد که عناصر زبان در ذات خود، با جنسیت ارتباطی داشته باشند، یا تمایزهای جنسی را نشان دهند. در تعریف زبانی که نوشتار زنانه را از مردانه جدا میکند، آمده است که «زبان جنسیتی اصطلاحی است که نظریه‌پردازان فمینیستی از آن در حوزهٔ زبان-شناسی استفاده میکنند تا هویت متمایز زبانی زنان را توصیف کنند؛ آنها می‌گویند هر دو جنس، نظامها و کدهای ساختاری ویژهٔ خود را دارند که گاه یک زبان نامیده میشود.» (صدای زنانه در ادبیات معاصر: ص ۳۶). دربارهٔ ریشهٔ این تفاوتها غالباً اختلاف نظر وجود دارد. عده‌ای این تفاوتها را به کلی رد میکنند اما عده‌ای نیز بر این باورند که: «به واسطهٔ تفاوتهایی که در نقشهای اجتماعی دو جنس وجود دارد تفاوتهایی نیز در رفتار زبانی آنها مشاهده می‌شود.» (درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان: ص ۱۶۲).

داستانها و رمانهایی که نوشتهٔ زنان است دارای ویژگیهایی است که آنها را از نوشته‌های مردانه جدا می‌کند. از جملهٔ آنها نوعی تشخیص زبانی در آثار زنانه است. داستانهایی که در دو دههٔ اخیر به خصوص دههٔ هشتاد توسط زنان ایرانی نگاشته شده‌اند به هیچ وجه در پی پنهان کردن لحن و زبان زنانهٔ خود نیستند بلکه به سمت ایجاد یک زبان زنانه در حرکتند. نویسندهٔ کتاب اتاقی از آن خود دربارهٔ نوشتار زنانه می‌گوید: «زنان تمام این میلیون‌ها سال درون خانه‌ها نشسته‌اند تا آنجا که اکنون دیگر نیروی خلاقهٔ آنها در دیوارها نفوذ کرده و در واقع خصوصیات آجر و ملاط را چنان تغییر داده است که ناگزیر باید آن را با قلم و قلم مو و کار و سیاست مهار کرد.» (اتاقی از آن خود: ص ۱۲۷). به اعتقاد او زنان همواره در طول قرنهای بسیار در حال مشاهدهٔ دیگران و تحلیل احساسات خود و آنها بوده‌اند بنابراین هنگامی که فرصت و جسارت نوشتن را در خود یافتند طبیعتاً رمان را برگزیدند، زیرا رمان بهترین ژانر برای توصیف آن چیزهایی بود که در عین سادگی ضرورتی برای نوشتن آنها وجود داشت.

با این حال که جنسیت دستوری در زبان فارسی وجود ندارد، میتوان بخشهایی از گفتمان زنانه را که پربسامد است در سخن زنان پیدا کرد. همچنین بررسیهای علمی نشان داده که میان جنسیت و رفتارهای زبانی همبستگیهایی وجود دارد. این عناصر شامل صورت‌های آوایی، کاربرد واژه‌ها، تعابیر و صورت‌های نحوی خاص هستند که گرچه ذاتاً ربطی به جنسیت زنان ندارد، اما زنان آنها را بیشتر به کار می‌برند و به گونه‌ای برچسب زنانه دارند. اکنون میتوان بحث از ویژگیهای زبان و سبک زنانه در رمانهای معاصر را در پنج سطح بررسی کرد.

## ۶-۱- سطح آوایی

زبان‌شناسان تفاوت اداکردن برخی آواها را از سوی زنان و مردان بررسی کرده‌اند، اینگونه مطالعات بیشتر در جوامعی صورت گرفته که دوگروه در ادای برخی آواها متفاوت عمل میکنند، با تأمل در زبان فارسی میتوان نتیجه گرفت که هر دو جنس واژه‌ها را مانند هم ادا میکنند و در بیان آوا تفاوتی با یکدیگر ندارند، اگرچه در ادای واژه‌ها، نویسندگان زن دارای لحن عاطفی و مؤدبانه است. زنان غالباً جمله‌های خود را با عباراتی پرسشی شروع و یا تمام می‌کنند که این صورتهای ادات زبان همان صورتهای ضعیف و مؤدبانه‌تر اداتی قوی هستند که مردان به کار می‌گیرند.

زنان بیشتر از جمله‌های پرسشی و تأکیدی استفاده میکنند، در حالی که مردان جمله‌های خبری به کار می‌برند. عباراتی مانند «میدانید که؟»، «این‌طور نیست؟»، «درسته؟»، «نه؟»: «بیژن گفت: به گمانم تپه سیخی یا تپه سیخکی همین تپه باشد. نه؟» (جزیره سرگردانی، ص ۱۲۵)؛ «موجی از هوای باغ تو آمد و توری پرده لرزید. بهتر نشد؟» (شبهای تهران: ص ۲۶۵)؛ «این حلقه‌های سیاه مو و چشمان میشی غصه‌دار حقیقی‌اند، هستند؟» (دل فولاد: ص ۱۱۰)؛ «آدم‌ها عوض می‌شن، نمی‌شن؟» (سرخ‌تو از من: ص ۱۵۰)؛ «جاوید بلندگفت: نه شیوا؟» (رویای تبت: ص ۱۳۱)؛ «خب تو این که حرفی نیست، هست؟» (سگ و زمستان بلند: ص ۵۱۱)؛ «دوتایی گفتند: بامزه‌ست، نه؟» (چراغها را من خاموش میکنم: ص ۵۶)

جدول شماره ۱: جمله‌های پرسشی تأکیدی (در یک‌دهم رمان‌ها)

نویسنده	داند شور	روانی پور	پارسی پور	علیزا ده	پیرزاد	و فی	شام لو
تعدادجملا ت	۸	۹	۱۲	۲۴	۱۲	۵	۳

## ۶-۲- سطح واژگانی

زنان به دلیل دقت در پدیده‌های جزئی و نگاه جزئی‌نگر و زنانه، گستره واژگانی را فراهم کرده‌اند که بازتاب دید احساساتی و جنسیتی آنان در توصیف اشخاص و اشیا است. مهمترین آنها رنگ‌واژه‌ها، نام گلها و درختها، انواع غذاها، انواع جواهرات، جنس و رنگ انواع البسه، دکور و تزئینات منزل، تابلوهای نقاشی و همچنین تکیه کلامهایی است که شامل دعا، سوگند، دشنام و نفرینهای زنانه است.

## ۶-۲-۱- رنگ‌واژه‌ها

رنگ یکی از ابزارهای روانشناسان برای شناخت روان آدمی است. استفاده از این عنصر ساده و گزینش آن، به مسائل مختلفی بستگی دارد که میتواند در نهایت برای هر شخصی ایجاد باور، علاقه، سلیقه و آرزوهایی خاص نماید. با بررسی دقیق این عنصر، می‌توان تا حد زیادی به افکار، روحیات و جنسیت برگزیننده آن پی برد. رنگ واژه‌هایی که زنان به کار می‌برند، بسیار دقیقتر از رنگواژه‌های مردانه است؛ برای مثال، رنگواژه‌هایی مانند قهوه‌ای روشن و بنفش کم‌رنگ را عموماً زنان به کار می‌برند و به ندرت پیش می‌آید که مردان از آنها استفاده کنند.

جزئی‌نگری که از ویژگیهای سبک زنانه است، در کاربرد نام رنگها مشخص میشود. به همین سبب زنان رنگها را با طیف جزئی آن توصیف میکنند: دودی سیر، آبی‌باز، آبی‌سیر، سبزچمنی، نباتی روشن، قرمزآخراپی، لیمویی‌روشن، بنفش‌زنگاری، شنگرفی‌سیر، گل‌بهی، عنابی، گلی، بژ و ... : «مادرش را دید که با روب دوشامبر پشمی آبی سیر کنار در ایستاده است.» (جزیره‌سرگردانی: ص ۴)؛ «بلوز سفید یقه بسته به تن داشت با دامن بود.» (شبهای تهران: ص ۱۲۰)؛ «بلوز سفید یقه بسته به تن داشت با دامن مشکی.» (چراغها را من خاموش میکنم: ص ۴۰)؛ «حسین کف بر لب آورده و رنگش ارغوانی شده بود.» (سگ و زمستان بلند: ص ۹۲)

در برخی رمانها رنگ خاصی یک عنصر تکرارشونده است که بارها یادآوری میشود و این رنگ احساس راوی را نشان میدهد، مانند رنگ قرمز در رمان «سرخ تو از من» که در طول رمان یادآوری میشود و نمادی از اعتراض، خشونت و ناامنی است؛ لباس قرمز، روسری قرمز، رژ قرمز، خط قرمز، ماژیک قرمز، ماشین قرمز، لیوان سرخ و ... : «به لیوانهای سرخ پایه بلند نگاه میکند.» (سرخ تو از من: ص ۵)

رنگ نارنجی در رمان «دل فولاد» نمادی از جوانی و شادابی قهرمان داستان است که آن را از دست داده؛ این رنگ در طول رمان دهها بار تکرار شده است: «باد با پیراهنش بازی میکرد. پیراهن نازک و نارنجیش.» (دل فولاد: ص ۶)

در رمان «رویای تبت» رنگ ماشینها به جای شخصیتها قرار میگیرند، ماشین سرمایه‌ای که جانشین مهرداد و ماشین شیری جانشین صادق شده است: «چشم بی اراده دنبال رنگ سرمایه‌ای ماشینی میگشت.» (رویای تبت: ص ۴۷)؛ «بلندشو تا بگویم در آن صبح سرد توی آن ماشین شیری‌رنگ چه احساسی داشتم.» (همان: ص ۲۶)

#### جدول شماره ۲: کاربرد رنگواژه‌ها

نویسنده	دانشور	روانی‌پور	پارسی‌پور	علیزاده	پیرزاد	وفی	شاملو
تعداد رنگها	۱۲	۲۶	۴۲	۷۶	۳۷	۹	۲۸

### ۶-۲-۲- تکیه‌های کلام‌های زنانه

بخش خاصی که حوزه‌های گفتار مردانه و زنانه را در فارسی جدا میکند، دو قلمرو دشنام و نفرین است. دشنامها و نفرینهای مردان متفاوت با زنان است. این دو حوزه از آن جهت بسیار تفاوت دارند که محل انعکاس قدرت، روحیات، نگرشها و عواطف خاص هر جنس است. تفاوت میان سخن‌گفتن مردان و زنان را میتوان در سطح فعل نیز تحلیل کرد. بررسیها نشان میدهد که زنان از فعلهایی چون غصه‌خوردن، گریه‌کردن، دوست‌داشتن و... بیشتر استفاده میکنند

**الف) فعلهای احساسی:** تعداد این نوع فعلها که بیانگر احساسات هستند، در رمانهای زنان فراوان است: «هردوتان شاگرد من بوده‌اید و دوستتان دارم.» (جزیره سرگردانی: ص ۴۸)؛ «عوض این حرفها دوست دارم کتاب بخوانم.» (چراغها را من خاموش میکنم: ص ۵۷)؛ «سودابه منوچهر قزوینی را دوست داشت.» (سگ و زمستان بلند: ص ۶۰)؛ «از اولین روزی که او را دیدم همیشه دوستش داشتم.» (شبهای تهران: ص ۲۱۲)؛ «او رنگ لبو را که رنگ زرشک بود دوست میداشت.» (دل فولاد: ص ۲۶۶)؛ «فرهاد خامه دوست ندارد.» (سرخ‌ی تو از من: ص ۶۹)؛ «دوست دارم گوش کنم.» (رویای تبت: ص ۶۳)

#### جدول شماره ۳: کاربرد فعلهای احساسی

نویسنده	دانشور	روانی‌پور	پارسی‌پور	علیزاده	پیرزاد	وفی	شاملو
تعداد	۹	۸	۱۵	۳۲	۶	۱۵	۷

**ب) نفرین:** زنان بیشتر از نفرین استفاده میکنند تا دشنام، «زنان از آن رو بیشتر نفرین میگویند که از قدرت کمتر برخوردارند و وجه کلاشان تمنایی و دعایی است.» (سبک‌شناسی: ص ۴۰۵). تکیه‌های کلامهای نفرین در زنان رنگ و بوی زنانه دارند مانند دلیل شده، گیس بریده، شیرم حرامت و .... : «سیمین رفته شیراز - به‌درک!» (جزیره سرگردانی: ص ۱۰۱)؛ «به شدت به او برخورده بود گفت: به‌درک!» (سگ و زمستان بلند: ص ۹۸)؛ «شیرم حرامت باد، تو گیس بریده شرم نکردی عاشق قلم شدی؟» (شبهای تهران: ص ۳۲۳)؛ «فروغ جارو را انداخته و گفته بود: به جهنم!» (رویای تبت: ص ۳۱)؛ «ذلیل شده! کی به خودت میرسی؟» (دل فولاد: ص ۳۹)؛ «قیامتی بود از خاک و ناله و نفرین» (چراغها را من خاموش میکنم: ص ۱۳۵)؛ «رو آب بخندی، همش میخنده» (سرخ‌ی تو از من: ص ۱۵)

#### جدول شماره ۴: کاربرد نفرین

نویسنده	دانشور	روانی‌پور	پارسی‌پور	علیزاده	پیرزاد	وفی	شاملو
تکیه کلام	۲	۲	۴	۱۴	۶	۱	۷



ج) دشنام واژه: زبان‌شناسان معتقدند، زنان گرایشی ذاتی به استفاده از صورتهای مؤدبانه‌تر و مهذب‌تر دارند؛ زیرا فرآیند اجتماعی‌شدن آنان به گونه‌ای است که جامعه همیشه از آنها رفتاری درست و سنجیده‌تر انتظار دارد. این امر باعث شده‌است تا زنان به شدت از کاربرد دشواژه‌ها به ویژه دشواژه‌های رکیک احتراز کنند و در اندک مواردی هم که دشواژه‌ها را به کار می‌برند بیشتر از صورتهای غیرزشت و غیرمؤدبانه (در مقابل صورتهای رکیک) استفاده می‌کنند. در سراسر رمان "دل فولاد، چراغها را من خاموش میکنم، جزیرهٔ سرگردانی، سرخی تو از من و رویای تبت" هیچ دشنام رکیک و زننده‌ای استفاده نشده، گاهی تنها لفظ فحش عنوان شده‌است. این نوع خفیف دشنامها نشان‌دهندهٔ ادب و نزاکت نویسندگان زن است: «مستر کراسلی داد زد: برو به جهنم، کاکا سیاه، از تو متنفرم، بوگندو.» (جزیرهٔ سرگردانی: ص ۹۴)؛ «دیدید چقدر فحش دادند؟» (شبهای تهران: ص ۲۹۵)؛ «چالم کرد و فحشم داد.» (رویای تبت: ص ۱۰۷)؛ «یعنی تو نمیفهمی که مرتیکه دنبال کلفت میگردد؟» (چراغها را من خاموش میکنم: ص ۱۵۶)؛ «کوفتی! پول برق آمده» (دل فولاد: ص ۱۲)؛ «ولی خانم دکتر به نظر من آدم خائن آشغاله» (سرخی تو از من: ص ۶۱)؛ «مردکۀ خر، چته؟ مگر ما گناه کردیم که تو را پس انداختیم؟ حرام‌زاده!» (سگ و زمستان بلند: ص ۸۶)

#### جدول شماره ۵: کاربرد دشنام

نویسنده	دانشور	روانی پور	پارسی پور	علیزاده	پیرزاد	وفی	شاملو
تکیه کلام	۷	۲	۱۱	۲۴	۴	۱	۹

د) سوگندواژه: سوگندواژه‌ها را به دو دسته سوگند به مقدسات دینی مانند به خدا، به دین، به پیغمبر، به حضرت عباس، به مریم مقدس، به مسیح و امور ارزشی و مهم زندگی مانند به جان مادر، به جان بچه‌ها، به جان خود میتوان تقسیم نمود. در این آثار، سوگندواژه کاربرد چندانی ندارد. سوگند خوردن علاوه بر جنسیت، به عوامل فرهنگی، طبقه اجتماعی و تحصیلات افراد نیز بستگی دارد.

سوگند به مقدسات: «به حجرالاسودی که بوسیده‌ام اگر یک شاهی پول از تو بگیرم.» (جزیرهٔ سرگردانی: ص ۱۵۵)؛ «نه والله آدم اصلاً نمیتواند چیزی که توی فکرت میگذرد پیشینی کند.» (رویای تبت: ص ۱۳۷)؛ «تو را خدا داداش... بسمه.» (دل فولاد: ص ۱۸۱)؛ «باید قول بدی قسم بخوری که به هیشگی نگی.» (سرخی تو از من: ص ۸۶)

- سوگند به امور ارزشی: «مرگ بچه‌ها، جون سودابه چی بهت میگفت؟» (سگ و زمستان بلند: ص ۸۱)؛ «تو را به روح پدر قسم ...» (چراغها را من خاموش میکنم: ص ۳۳)؛ «آقا داداش به جان شما، من مطمئنم ...» (شبهای تهران: ص ۵۰)

## جدول شماره ۶: کاربرد سبک

نویسنده	دانشور	روانی‌پور	پارسی‌پور	علیزاده	پیرزاد	وفی	شاملو
تکیه کلام	۵	۲	۵	۱۲	۳	۱	۱

## ۶-۳- سطح نحوی

تفاوت اساسی نحوی در ساختار جمله‌های زنان و مردان وجود ندارد بلکه تفاوت در میزان کاربردها است. برخی کاربردهای نحوی پربسامد در گفتار زنان عبارتند از: جملات ساده، جمله‌های همپایه، حذف و قطع جمله‌ها، جملات پرسشی و وجه عاطفی.

## ۶-۳-۱- جملات ساده

زنان در این رمانها از جملات ساده و کوتاه استفاده کرده‌اند. زیرا یک نوشته رمانتیک، جمله‌های علت و معلولی کمتری نسبت به یک رساله فلسفی دارد. بیش‌تر جمله‌های فلسفی متشکل از علت و معلول یا شرط و جواب شرط است اما زبان زنانه خبری و احساسی است و سبک روایت زنانه متمایل به توصیف و بازگویی است. «اصولاً زنان خیلی مستدل حرف نمی‌زنند و با تأکید بر موضوع، تکرار، کاربرد مترادف و قید و صفت، ایده خود را بیان می‌کنند، تکرار جزئیات به جای برهان مینشینند.» (سبک‌شناسی: ص ۴۰۷).

«پیشترها می‌ترسیدم، مدتی است که نمی‌ترسم، مرگ هم جزو زندگی است.» (شبهای تهران: ص ۴۷)؛ «زیاد حرف زدم می‌ترسم دیر شود و وسیله گیرم نیاد.» (جزیره سرگردانی: ص ۴۸)؛ «لیلا گوشی را می‌گذارد و به دیوار روبرو خیره میشود، چندنفس عمیق میکشد.» (سرخ‌خونی تو از من: ص ۸)؛ «با دست در توری را نگه داشتیم، تکیه دادم به چارچوب و نگاهش کردم.» (چراغها را من خاموش میکنم: ص ۳۱)؛ «مادرم آماده بود دوباره گریه کند. پدرم بی خیال از پنجره به بیرون نگاه میکرد.» (سگ و زمستان بلند: ص ۳۲)؛ «وقتی از حمام بیرون آمد سیاوش سرکوجه تکیه به دیوار، ایستاده بود سیگار میکشید و لابد سیگار زر.» (دل فولاد: ص ۱۴۷)؛ «سراغ فروغ را میگرفت. جاخورد. چطور متوجه آمدنش نشده بود. از پله‌ها پایین رفت.» (روایای تبت: ص ۳۱)

## جدول شماره ۷: کاربرد جملات ساده

نویسنده	دانشور	روانی‌پور	پارسی‌پور	علیزاده	پیرزاد	وفی	شاملو
تعداد جمله	۳۱۰	۳۳۶	۵۰۵	۴۲۶	۳۱۶	۱۸۴	۳۲۹

## ۶-۳-۲- جملات هم پایه

با بررسی رمانهای مورد نظر میتوان گفت که زنان نویسنده به نوشتن سبک جمله‌های پیچیده و بلند علاقمند نیستند. «میزان ساخت‌های همپایه در سخن زنان زیادتر از مردان

است، پیوند جمله‌های متن در نوشتار زنان بیشتر از طریق همنشینی و مجاورت صورت می‌گیرد و میزان پیوندهای دستوری و جمله‌های وابسته که دارای بند پایه و پیرو هستند اندک است.» (سبک‌شناسی: ص ۴۰۷).

«اگر در اجتماع نباشم و با مردم حشر و نشر نداشته باشم و کار نکنم موضوع نقاشیم را از کجا پیدا کنم؟» (جزیرهٔ سرگردانی: ص ۴۸)؛ «چهره را میان دستها پنهان کرد و اشک از چشمهایش جاری شد، انحنای انتهای شست را گاز میگرفت و ...» (شبهای تهران: ص ۲۱۲)؛ «جوان همانجا نشست و تکان نخورد و زن روی صندلی چرخدار نشسته بود و میخندید و ...» (دل فولاد: ص ۱۴۴)؛ «در را بست و رفت صندلی جلو کنار پدرش نشست. آرتوش راه افتاد و دست تکان داد.» (چراغها را من خاموش میکنم: ص ۶۲)؛ «تابستان بود و فصل مشهد رفتن و حسین این دست و آن دست میکرد تا پاییز شد و پاییز سرد بود و ...» (سگ و زمستان بلند: ص ۷۷)؛ «بلند میشود و دوباره می‌رود دم پنجره، مرد پیاده شده و دست به سینه تکیه داده به ماشین.» (سرخ‌ی تو از من: ص ۲۰)؛ «دستش را از میان موهایم به پشت گردنم چسباند و مثل همیشه گفت آتش لازم نداری.» (رویای تبت: ص ۱۹)

جدول شماره ۸: کاربرد جملات همپایه و مرکب

نویسنده	دانشور	روانی‌پور	پارسی‌پور	علیزاده	پیرزاد	وفی	شاملو
جمله مرکب	۲۹۹	۱۵۸	۲۰۵	۱۵۲	۱۷۴	۱۲۱	۹۱
جمله همپایه	۲۹۶	۳۳۱	۲۵۷	۲۴۸	۲۹۴	۱۵۱	۱۹۸

### ۶-۳-۳- حذف جمله‌ها و جمله‌های مقطع

جمله‌های بدون فعل در نوشته‌های زنان فراوان به چشم می‌خورد که نشان می‌دهد از ویژگیهای سبکی نویسندگان است. در نوشتار زنانه مکث و سکوت در خلال سخن به صورت سه نقطه (...) نگارش میشود: «دست مامان عشی به زنگ روی میز کنار تخت رفت و گفت این پستیای سر به هوا...» (جزیرهٔ سرگردانی: ص ۷)؛ «انحنای نرم بینی بزرگ، سایهٔ تبسم لطیف بر دهان کوچک کبود. دور لبان خاموش، چینهای مهربان و صبور...» (شبهای تهران: ص ۱۲۰)؛ «زن داشتم و چند تا بچه، چشمم که به آقام می‌افتاد مهره‌های پشتم تیر میکشید. حالا این کافر خدانشناس ...» (سگ و زمستان بلند: ص ۸۳)؛ «گاهی وقتا فکر میکنم نکنند...» (رویای تبت: ص ۱۲۷)؛ «رستم پنج سال علاف جبهه‌ها...» (دل فولاد: ص ۱۴۷)؛ «اصلاً تقصیر کلاریس بود که...» (چراغها را من خاموش میکنم: ص ۱۲۲)؛ «فکر میکنی چیزی می‌دونه؟ یا...» (سرخ‌ی تو از من: ص ۸۹)

**جدول شماره ۹: حذف و قطع جملات**

نویسنده	دانشور	روانی‌پور	پارسی‌پور	علیزاده	پیرزاد	وفی	شاملو
جمله مقطع	۴۱	۲۸	۱۰	۹۲	۳۴	۰	۲۸

**۶-۳-۴- جملات پرسشی**

جملات پرسشی در قالب حدیث نفس یکی از ویژگیهای سبکی آثار زنان است، کاربرد جمله‌های پرسشی که اغلب با بسامد قیدها و تعداد جمله‌های پیرو و وابسته است. این ویژگی در برخی آثار مانند رمان «سرخ‌ی تو از من» و «دل فولاد» بیشتر است که ناشی از اختلال روانی، نگرانی و سرگردانی شخصیت‌های اول است: «شوهر سابقش؟ پدرفهاد؟ پدر؟ چی باید صدانش کنه؟» (سرخ‌ی تو از من: ص ۴)؛ «کجا بود؟ آن همه مرد، آن همه پاسبان و راننده؟ کجا بود راننده؟» (دل فولاد: ص ۶۸)؛ «فکر میکردم آیا او خواهد فهمید؟ اگر پیش می‌آمد و او نمیتوانست بپذیرد؟» (سگ و زمستان بلند: ص ۲۷۴)؛ «به چی نگاه می‌کرد؟ مبادا جایی کثیف باشد؟ نکند آشپزخانه به چشمش زشت یا عجیب آمده؟» (چراغها را من خاموش میکنم: ص ۱۰)؛ «آن همه گنجشک مرده را زیر درختها نمیبینند؟ شاید هم به زبان بی‌زبانی میگویند کسی نیست به داد ما برسد؟» (جزیره سرگردانی: ص ۱)

**جدول شماره ۱۰: بررسی جملات پرسشی**

نویسنده	دانشور	روانی‌پور	پارسی‌پور	علیزاده	پیرزاد	وفی	شاملو
جمله پرسشی	۹۷	۸۳	۸۰	۳۲	۶۹	۱۶	۱۵۴

**۶-۳-۵- وجه عاطفی**

بسامد جمله‌های تعجبی و عاطفی در سخن زنان بیشتر از مردان است. شبه جمله‌های عاطفی مانند «خاک عالم!»؛ «خدا مرگم بده!»؛ «حیوونکی!» خاص گفتمان زنان است. این شبه جمله‌ها گاه دعایی، گاه افسوس، گاه نفرین و گاه تعجبی هستند. کاربرد تکیه‌کلام زنانه در کنار شخصیت زنان هم‌نشینی خاص ایجاد میکند و برای پرداختن به موضوعات و مسائل خاص زنان، انسجام در لفظ و محتوای آثار رعایت شده است: «خدا نصیب نکند!» (جزیره سرگردانی: ص ۵۷)؛ «آه! ما خیلی خوش بودیم، همه دور هم، بی دغدغه...» (شبه‌های تهران: ص ۲۶۴)؛ «آخی! ... مادرش چه حالیه حالا...» (سرخ‌ی تو از من: ص ۳۱)؛ «عزیزم، جانم نمی‌گفت» (رویای تبت: ص ۱۳۹)؛ «واه، واه! خفه شدم از بوی تافت» (چراغها را من خاموش میکنم: ص ۷۷)؛ «خانمجان گفت: آخ!» (سگ و زمستان بلند: ص ۸۴)؛ «-نامه است؟ - آره - از کجا؟ - نمی‌دونم و!» (دل فولاد: ص ۲۶۷)

**جدول شماره ۱۱: کاربرد جملات عاطفی**

نویسنده	دانشور	روانی‌پور	پارسی‌پور	علیزاده	پیرزاد	وفی	شاملو
تعداد جملات عاطفی	۱۵	۹	۵	۲۱	۱۲	۶	۱۱

#### ۴-۶- سطح کاربردی

نویسندگان زن مورد مطالعه در سراسر رمانها حتی زمانی که از زبان شخصیت‌های مرد سخن میگویند اصل رعایت ادب را فراموش نکرده و دشنامهای رکیک و ناهنجار را به کار نبرده‌اند. «رعایت ادب، از مقوله‌های متعلق به بافت و موقعیت کاربرد سخن است و در بافتهای رسمی شاخص مهمی در تعیین نوع سخن زنان به شمار میرود. زنان در محافل رسمی مؤدبانه‌تر و با گونه‌های معتبرتر زبان سخن میگویند.» (سبک‌شناسی: ص ۴۱). از این رو در اغلب رمانها کلمات و اصطلاحات بی‌ادبانه به کار نرفته و یا بسیار کم استفاده شده، گاهی به جای ذکر دشنام از سه نقطه (...) استفاده شده: «داد سرهنگ درآمد: مادر ... روز روشن؟» (دل فولاد: ص ۱۷۲)؛ «مادر ... سرخی تو از من» (سرخ‌ی تو از من: ص ۶۸)

جدول شماره ۱۲: استفاده از واژگان رکیک (عدم رعایت ادب)

نویسنده	دانشور	روانی‌پور	پارسی‌پور	علیزاده	پیرزاد	وفی	شاملو
تعداد کلمات بی‌ادبی	۵	۳	۲	۷	۰	۰	۱

#### ۵-۶- سطح بلاغی

صناعات ادبی و بلاغی در سخن زنان به ترتیب کاربرد بیشتر در این بخش بررسی میشود.

#### ۶-۵-۱- تشبیهات زنانه

زنان برای توصیف اشخاص و حالات، از تشبیهات فراوانی بهره برده‌اند و مشابه تشبیهات در اکثر مواقع موجودات و اشیایی است که در دید زنانه بیشتر به چشم میخورند و واژگان مأنوس محسوب میشوند و توجه فراوانی به آنها دارند، مانند نام جواهرات، میوه‌ها، گلها، حیوانات و عناصر طبیعی: «جزیره را شناخت شنزاری بود به شکل گلابی.» (جزیرهٔ سرگردانی: ص ۱۴۶)؛ «گردن لطیف او چون گلوی کبوتر بالا و پایین میرفت.» (شبهای تهران: ص ۷۹)؛ «مهری قشنگ بود. پوستی به رنگ گل به داشت.» (سگ و زمستان بلند: ص ۹۹)؛ «خانه را با جنگل اشتباه گرفته، عین خرس دراز کشیده‌است.» (روایای تبت: ص ۱۴)؛ «کلماتی که از دهانش درمی‌آمد، مثل دانه‌های زنجیر بود.» (دل فولاد: ص ۱۲۶)؛ «چه خوب که موهای فرهاد صاف است، صاف و لخت مثل پیشی.» (سرخ‌ی تو از من: ص ۴۵)؛ «خواهرم با لباس زرد گشاد... شبیه گل آفتابگردان بزرگی بود.» (چراغها را من خاموش میکنم: ص ۶۷)

جدول شماره ۱۳: کاربرد تشبیه

نویسنده	دانشور	روانی‌پور	پارسی‌پور	علیزاده	پیرزاد	وفی	شاملو
تعداد تشبیهات	۱۲	۱۰	۲۱	۸۴	۱۱	۱۷	۲

## ۶-۵-۲- کنایه و تعریض

زنان در گفتار خود از عناصر کنایی و طعن آمیز بهره می‌برند، «ظاهراً سخن زنان کنایی‌تر از مردان است و زنان بر معانی ضمنی بیش از معانی صریح تأکید دارند» (سبک-شناسی: ص ۴۰۸). در رمانها شخصیت‌های زن از این نوع بیان استفاده میکنند و این مشخصه در سخن زنان مسن آشکارتر است: «چشم‌ت روشن! دخترت خاطرخواه این پسره مزلف قلم شده، زعفران به رویت بمال.» (شبهای تهران: ص ۳۲۲)؛ «تمام زنهای تهران برای وقت گرفتن از او سر و دست میشکستند.» (جزیره سرگردانی: ص ۹)؛ «من که فکر میکنم طرف آدم بدی نباشه، فرزانه هم بهش آویزون شده بود.» (سرخ‌ی تو از من: ص ۲۱)؛ «شنیده بود که آسمان و ریسمان را به هم میافند.» (دل فولاد: ص ۹۳)؛ «اگر زرنگ بودم کلاه سرم نمیرفت.» (رویای تبت: ص ۵۵)؛ «کاشکی نامه رو داده بودم داداشت بنویسد، قلق این جور کارها دستش است.» (سگ و زمستان بلند: ص ۳۱)؛ «هرچه زودتر این مرتیکه را ببیند بهتر، شاید از خر شیطان پیاده شد.» (چراغها را من خاموش میکنم: ص ۹۶)

## جدول شماره ۱۴: کاربرد کنایه

نویسنده	دانشور	روانی‌پور	پارسی‌پور	علیزاده	پیرزاد	وفی	شاملو
تعداد کنایه	۳۰	۱۲	۳۸	۴۴	۳۷	۸	۹

## ۶-۵-۳- استعاره‌های زنانه

استعاره نیز در نوشتار زنان کاربرد دارد، کاربرد استعاره را می‌توان در عنوان رمانها واری کرد. عنوان رمان «جزیره سرگردانی» استعاره از جامعه‌ای است که مردم آن دچار سردرگمی هستند و بیش از همه «هستی» شخصیت اول رمان این سرگردانی را در تمام وجوه زندگی خود داراست. «دل فولاد»، استعاره از قهرمان داستان «افسانه» است، زنی نویسنده که با تمام خشونت‌های حاکم بر جامعه زنان مبارزه میکند. «سگ و زمستان بلند» استعاره از حوری، دختری است که در اثر برخورد با مشکلات، به بیداری روحی دردناکی میرسد و به گونه‌ای متفاوت علیه بنیانهای جامعه مردسالارانه اعتراض خود را نشان میدهد. «شبهای تهران» استعاره از جامعه‌ای است که ساکنان آن سختی‌ها و رنجهای فراوان دارند. «رویای تبت»، استعاره از جامعه آرمانی است که قهرمانان آرزوی رسیدن به آن دارند. «چراغها را من خاموش میکنم، استعاره‌ای از نقش اجتماعی زن و مسئولیت‌پذیری او در خانواده است. سرخی تو از من استعاره و نمودی از کم داشت زن و درخواست او برای توجه است.» (سبک‌شناسی: ص ۴۰۹).

## جدول شماره ۱۵: کاربرد استعاره

نویسنده	دانشور	روانی‌پور	پارسی‌پور	علیزاده	پیرزاد	وفی	شاملو
تعداد استعاره	۱۲	۲۴	۳	۲۴	۲	۱	۶

#### ۶-۵-۴- نمادها

ارائهٔ یک تصویر نمادین و رمزی از اشیاء طبیعی در کار بیشتر شاعران و نویسندگان دیده میشود، یعنی پدیده های طبیعی را به کار میگیرند تا به مفهوم ذهنی خود تجسم ببخشند. کاربرد نمادها در رمانها نشان میدهد که نویسندگان از این عنصر ادبی بهره فراوان برده اند. «جزیرهٔ سرگردانی» نماد جامعه‌ای است که مردم آن دچار سردرگمی هستند و بیش از همه «هستی، در میانهٔ جایگاه دوگانه، شکاف و سرگردانی میان سنت و مدرنیته را تجربه میکند و به این جهت نماد شاخص سرگردانی نسل جوان در مقابلهٔ سنت با مدرنیته است.» (نقد جامعه‌شناسی رمان جزیره سرگردانی: ص ۲۲۹۶). مادر هستی نماد زنان مصرفگرایی هستند که در زندگی سرگردانند و به اصولی پایبند نیستند، او و همسرش نماد فساد و بی بند و باری این طبقاتند. مراد، نماد مدرنیته در افکار و عقاید است و نیز نشانه ای از کم رنگ شدن نقش روشنفکران چپگرا در مبارزات توده‌ها است. از طرفی، سلیم فرخی نماد خانوادهٔ بازاری سنتی و مذهبی است. تحقیرحاجی فیروز به دست کراسلی نماد تضاد آمریکائیان با ملیت ایرانی است. کثرت و تنوع رمزهای دانشور در این رمان تحسین برانگیز است. او برای رسیدن به هدف خود، از یک منظومهٔ داستانی بهره جسته و بدین جهت توفیق حیرت انگیزی کسب کرده است. نویسنده چون میخواست که رمانش را به یک اثر هنری تبدیل کند نه یک اثر تاریخی فنون رمزپردازی را به روش‌هایی بدیع و به فراوانی به کار گرفته است. «از تعامل تنگاتنگ تاریخ و اندیشه و زبان، علی الخصوص با استفاده از حداکثر ظرفیت کارکردی الفاظ و ساختارهای زبان و صحنه‌های طراحی شده و جهندار، منظومه‌ای آفریده است که از هماهنگی و همخوانی مجموعهٔ اینها می‌توان هم به سطح رمزی رمان پی برد و هم بسیاری از رموز آن را کشف کرد و هم مابازاهای تاریخی رموز را تشخیص داد.» (بررسی فنون رمزپردازی در رمانهای جزیرهٔ سرگردانی و ساربان سرگردان: ص ۶۱).

علیزاده در «شبهای تهران» شب، برف، یخ، قطب، سرما و زمستان را نمادی برای بیان غمها، رنج‌ها و دردهای شخصیتها استفاده کرده و روز، آتش، آفتاب، نور، گرما و تابستان را برای بیان عشق، امید، زندگی و شادی به کار برده است: «یخی که از شب برفی پنج‌ماه پیش در قلب او مانده بود شروع به ذوب شدن کرد» (شبهای تهران: ص ۲۶۴).

«در سرخی تو از من»: مار، گربه، جنگل، پله، تونل و... همگی نمادند. پاینده در تفسیر آنها میگوید: «جنگل در رویا جایگزینی نمادین برای ضمیر ناخودآگاه است. مار نماد دیرینه قضیب، در رویا معمولاً دلالت بر فریب و مقاربت دارد.» (گشودن رمان: ص ۲۶۰)؛ «خوابهای شبانه‌اش پر از حضور مار بود. جنگل بود. سیاه و مرطوب.» (سرخی تو از من: ص ۳۹).

از بررسی نوشته‌های روانی‌پور، مشخص می‌شود که نمادها و نشانه‌ها، جایگاه قابل‌ملاحظه و چشمگیری در آثار وی دارند و «او با اختصاص فضاهای داستانی خود به نمادها و سمبولها، سعی دارد مفاهیم کلیدی و مهم از دیدگاه خود را در لفافه‌ای از راز و رمزهای کلامی پیچیده بیان کند.» (بررسی نمادها در سبک نوشتار: ص ۳۴۵). افسانه سربلند در «دل فولاد» در فضای بسته اجتماعی، با در پرده سخن گفتن و استفاده از کلام نمادین اعتراض خود را بروز می‌دهد. پاسبانها نمادی از کنترل‌های بیرونی هستند که آزادیهای ابتدایی اجتماعی را تحدید میکنند. قالب دیکتاتور و امر و نهی پیوسته او، به مثابه خشونت‌ی نمادین، در درون خود نهادینه کرده است: «ساختن دیکتاتور کاری ساده است. خودش به او ستاره داده بود همین طور که قد می کشید به او ستاره می‌داد» (دل فولاد: ص ۱۲۳)؛ «پاسبان‌هایی که با حضور مستمر در خیابان‌ها سوت می‌کشیدند.» (همان: ص ۳۴)

در «چراغها را من خاموش میکنم» هر شب قبل از خواب، همسر کلاریس با لحنی توقع آمیز از او می‌پرسد؟ چراغها را چه کسی خاموش میکند و کلاریس هم هر بار به او اطمینان میدهد «چراغها را من خاموش میکنم» که نمادی از حس مسئولیت و زندگی کلاریس را در مقام مادر و زن خانه‌دار در یک جمله میتوان دید. هجوم ملخها، در داستان نیز نمادی از حادثه‌ای است که میتواند ویرانگر باشد. حادثه ورود امیل، مرد همسایه، به زندگی کلاریس مسئله امکان عشق را مطرح میکند، اگرچه در پایان تلنگری است که او را به سمت خودشناسی و خودیابی سوق میدهد. همچنین، بسامد مکرر واژه پنجره در زندگی زنان این داستانها از نظر نمادین، تنها درگاه و زاویه دیدی است که این زنان از طریق آن به دنیای بیرون مینگرند: «دست کشیدم به پرده‌های پنجره و سعی کردم یادم بیاید آخرین بار کی پرده‌ها را شسته‌ام.» (چراغها را من خاموش میکنم: ص ۲۰).

«رویای تبت» نیز سمبولی است برای مکانی که هاله‌ای از معانی عرفان شرقی، آرامش، بلندنظری و سکوت را به ذهن متبادر میکند و جایی است که صادق دم از رفتن بدانجا میزند و در آخر شیوا نیز از همراهی با او سخن میگوید: «گفتی: دوست دارم بروم به تبت. با گفتن تبت اشک از هر دو چشم ریخت توی صورتت که هنوز رد لبخند را داشت. همه جا خوردیم.» (رویای تبت: ص ۱۷۴).

جدول شماره ۱۶: کاربرد نماد

نویسنده	دانشور	روانی‌پور	پارسی‌پور	علیزاده	پیرزاد	وفی	شاملو
تعداد نماد	۲۵	۱۰	۵	۸	۱۰	۱	۷



## ۷- نتیجه‌گیری

فمینیسم گرچه در ابتدای راه، ماهیتی شورشی و خودمحوارانه داشت، اما امروزه بیش از هر چیز خواهان نگاهی جدی به زن و نقش او در فضاهای عمومی و خصوصی و استیفای حقوق پایمال شده‌ای است که در طول تاریخ زندگی بشر، همواره از جنس زن دریغ شده است. فمینیسم ادبی نیز، با توجه به این که آثار ادبی هر جامعه‌ای را محصول تفکر و نگاه غالب جامعه که اکثراً مردسالار هستند می‌داند، به بررسی نقش زنان در آثار ادبی و بررسی میزان تأثیرگیری و تأثیرپذیری آنان در این آثار می‌پردازد و سعی دارد با تغییر جهان متن، جهان فرامتن و عینی را از طریق تغییر نگرش مخاطبان، به سمت تلاش برای رفع تبعیض میان جنس زن و مرد سوق دهد. نویسندگان زن ایرانی نیز، از مشروطه تاکنون همواره و در هر دوره‌ای به مقتضای شرایط و بسترهای مناسب، دست به خلق آثاری زده‌اند که نتیجهٔ آن توجه بیش از پیش به نقش زنان و همچنین برگزیدن زبانی مستقل برای روایت، در آثار داستانی زنان در اواخر دههٔ هشتاد بوده است.

شیوهٔ نگارش اغلب زنان به صورت ساده، با جزئیات کامل و توصیف‌های دقیق همراه است، واژگان موردعلاقهٔ آنان که با جنسیتشان مطابقت دارد در این رمانها کاربرد بیشتری دارد. ویژگیهای سبک زنانه در این رمانها دارای لایه‌های پنجگانه آوایی، واژگانی، نحوی، بلاغی و کاربردی است. بررسی لایهٔ آوایی نشان میدهد که زنان دارای لحن عاطفی و مؤدبانه هستند، لایهٔ واژگانی کاربرد رنگواژه‌ها، تعابیر و تکیه‌کلامهای زنانهٔ نویسندگان را روشن میکند؛ در این سطح تفاوت‌های سبکی نمایان تر است، در لایهٔ نحوی کاربرد بیشتر جمله‌های ساده، جمله‌های هم‌پایه، حذف جمله‌ها و جمله‌های مقطع دیده میشود. در لایهٔ بلاغی مشخص شد که آرایه‌هایی چون کنایه، تشبیه و نماد در کلام نویسندگان زن بارزتر است و در لایهٔ کاربردی نیز نتیجه می‌گیریم که لحن نویسندگان زن در بیشتر موقعیتهای مؤدبانه و رسمی است؛ حتی زمانی که از زبان شخصیت مرد نقل قول میکنند.

## منابع و مأخذ

- ۱- اتاقی از آن خود. وولف، ویرجینیا. مترجم: صفورا نور بخش: چاپ اول، تهران، انتشارات نیلوفر. ۱۳۸۳
- ۲- «بررسی فنون رمزپردازی در رمان‌های جزیرهٔ سرگردانی و ساربان سرگردان». رنجبر، ابراهیم. زبان و ادب فارسی (نشریهٔ سابق دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه تبریز). شمارهٔ ۲۲۹، صص ۶۴-۴۳. ۱۳۹۳

- ۳- «بررسی نمادها در سبک نوشتاری منیرو روانی‌پور». لیل‌هاشمیان. فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب). سال چهارم. شماره دوم. شماره پیاپی ۱۲. صص ۳۴۶-۳۲۹. تابستان ۱۳۹۰
- ۴- جزیره سرگردانی. دانشور، سیمین. چاپ دوم، تهران: خوارزمی ۱۳۷۷.
- ۵- چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم. پیرزاد، زویا. چاپ چهل و دوم، تهران: سعدی. ۱۳۹۱
- ۶- «سبک‌شناسی ده‌نامه‌ویس و رامین فخرالدین اسعد گرگانی». تاج‌بخش، اسماعیل و هیوا حسن‌پور. فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب). ش ۲. صص ۲۰۰-۱۸۳. ۱۳۹۰
- ۷- دل فولاد، روانی‌پور، منیرو. تهران: قصه. ۱۳۸۱
- ۸- درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان. مدرسی، یحیی. تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی. ۱۳۶۸
- ۹- رؤیای تبت. وفی، فریبا. چاپ دوم، تهران: مرکز. ۱۳۹۳
- ۱۰- سبک‌شناسی. فتوحی، محمود. تهران: نشر سخن ۱۳۹۰
- ۱۱- سرخی تو از من، شاملو، سپیده. چاپ اول. تهران: مرکز. ۱۳۸۵
- ۱۲- سگ و زمستان بلند. پارسی‌پور، شهرنوش. تهران: اسپرک. ۱۳۶۹
- ۱۳- شبهای تهران. علیزاده، غزاله. تهران: انتشارات توس.
- ۱۴- «صدای زنانه در ادبیات معاصر». فیاض، ابراهیم و زهره رهبری. پژوهش زنان. دوره ۴. صص ۲۳-۵. ۱۳۸۵.
- ۱۵- صدسال داستان نویسی. میر‌عابدینی، حسن. تهران: نشر چشمه. ۱۳۷۷
- ۱۶- گشودن رمان. پاینده، حسین. رمان ایران در پرتو نظریه و نقد ادبی. چاپ اول. تهران: مروارید. ۱۳۹۲
- ۱۷- «نقد جامعه‌شناختی رمان جزیره سرگردانی». عاملی‌رضایی، مریم. پرنیان سخن (مقاله‌های پنجمین همایش پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی). صص ۲۳۱۱-۲۲۸۹. ۱۳۸۹